

www.sharghdaily.ir
پنجشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۰ ۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ ۱۵ جولای ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۵۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۱
اذان صبح فردا ۴:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۱

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا



در کرمانشاه هر روز عملیات آبرسانی به مناطق نیازمند به آب توسط تانکر انجام می‌شود. عکس: فرزاد متنی، تسنیم

زنان

طالبان در **عطش حذف زنان** انتشار فیلم اعدام ۱۲ کماندوی افغان توسط طالبان، در کنار خشونت بیش‌ازحدی‌که این گروه نظامی در هنگام اشغال مناطق مختلف افغانستان نشان می‌دهد، یاد و خاطره داعش را زنده کرده است. از سوی دیگر رفتارهایی که خلاف وعده‌ها و بیانه‌های خود انجام می‌دهند نیز سبب نگرانی‌های بیشتر مردم این کشور شده است. مردمی که ۲۰ سال پیش توانستند اندکی از زیر سلطه آنان خارج شوند، حالا دوباره باید خود را برای این رفتارهای سختگیرانه آماده کنند. در این میان زنان بیش از دیگران در افسوس هستند. طالبان در مناطق تحت تسلط خود با پخش اعلامیه‌هایی استاندارد حجاب زنان را مشخص کردند. آن‌طورکه اسپوتنیک گزارش داده است، آنان دعوت به پوشیدن برقع کرده‌اند و دیگر پوشش‌ها را مظهر حجاب نمی‌دانند. همچنین در اعلامیه طالبان آمده است که زنان بدون همراهی مرد محرم، در شهر و خیابان‌ها گشت‌وگذار نکنند و در محفل‌های عروسی

زندگی شاد و پر تلاش

با وجود

ام اس

بیماری ام اس ناتوانی نیست

راه های همیاری با انجمن ام اس ایران:

#۲۲۲۳*۴*۷۳۳

#۲۲۲۳*۷۸۰

تلفن:

۸-۶۶۹۵۱۱۸۷

۹-۶۶۹۵۳۹۰۷

مطالبات

کارگران و درخواست لغویک حق ویژه

حسین حبیبی*

نگاهی به وضعیت کارگران در ایران همچنان نگرانی‌ها را درباره مطالبات کارگری در ایران بالا برده است. برای مثال در بند ۷ نحوه اعتبار تصمیمات کمیته دستوراالعمل ضوابط انتخاب و وظایف کمیته‌های دائمی طبقه‌بندی مشاغل کارگاه‌ها، مصوب بهمن ماه ۱۳۸۹ آمده که تصمیمات کمیته در چارچوب وظایف آن به صورت مکتوب و با رأی حداقل سه نفر از اعضا که حداقل یک نفر از آنان باید از نمایندگان کارکنان باشد، معتبر خواهد بود. نگاه خوش‌بینانه به این مسئله در این است که یگ امتیاز و حق رأی برای کارگران قائل شده‌اند؛ اما سؤال اینجاست که چرا تا این حد غیرشفاف و با نیت غیرمشخص.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در بند ب دادنامه ۳۶۹ رأی داده که با ترجیح نمایندگان کارگران بر دیگر نمایندگان، اعتبار آرای کمیته را منوط به موافقت حداقل یک نفر از اعضای نمایندگان کارگران در نظر گرفته است که از مصادیق اعمال تبعیض ناروا بوده و به دلیل مغایرت با حکم مقرر در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی (رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی) و اصل بیستم ابطال می‌شود؟!

دوستان، کمیته «طبقه‌بندی مشاغل در شرکت‌ها» پنج‌نفره است، دو نفر نماینده کارکنان (به انتخاب تشکل کارگری مانند شورای اسلامی کار، و در نبود تشکل کارگری در واحد یا شرکتی مستقیم با انتخاب مجمع کارکنان) دو نفر نماینده مدیریت و یک نفر هم نماینده سرپرستان به انتخاب سرپرستان! این به چه معنی است؟ آیا در یک کارگاه به جز کارفرما و کارگر سوم‌شخص هم وجود دارد، مسلماً خیر! سرپرستان هم جزء کارکنان محسوب می‌شوند؛ ولی چرا سرپرستان ویژه دیده شده‌اند و به عبارتی ترجیح داده شده‌اند، شاید برای اینکه ترکیب کمیته و هیئت مدیره‌ها فرد باشد. قطعاً با توجه به ترکیب ۲+۲ نمایندگان مدیریت و کارگران تصمیمات گرفته نخواهد شد؛ ولی با وجود سرپرستان تصمیمات گرفته می‌شود؛ اما به نفع مدیریت، چگونه؟

توجه کنید، سرپرست به کسی گفته می‌شود که یک یا چند نفر نیرو در زیرمجموعه دارد که بابت سرپرستی مستقیم و غیرمستقیم آنها امتیاز می‌گیرد که منجر به بالارفتن سطح اهمیت پست سرپرستی‌اش می‌شود و علاوه بر ارتقای جایگاه پستی از نظر شغلی نیز ممکن است به گروه بالاتر ارتقا یافته و از افزایش حقوق نیز بهره‌مند شود؛ ضمن آنکه از حق پست سرپرستی و افزایش‌های آن که ریالی هست، نیز برخوردار خواهد شد.

نماینده سرپرستان در کمیته طبقه‌بندی مشاغل همیشه به طرف مدیریت متمایل

۱- باید دیوان را وادار کنیم نظر و دادنامه ۳۶۹ خود را ابطال کند.

۲- با درخواست اعمال ماده ۹۱ دیوان به دنبال ابطال دادنامه ۳۶۹ باشیم.

۳- درخواست ابطال قسمت ج بند ۱ دستورالعمل ضوابط انتخاب و وظایف کمیته‌های دائمی طبقه‌بندی مشاغل کارگاه‌ها مصوب بهمن ۱۳۸۹ در خصوص ترکیب اعضای کمیته را به شرح ذیل داشته باشیم؛ چراکه حضور و رأی نماینده سرپرستان، رأی برتر و ترجیح است. برای لغو قسمت ج بند ۱ (یک نفر نماینده سرپرستان کارگاه به انتخاب سرپرستان)، کارگران عزیز، بنده در خدمت هستم. حقوق دانان، وکلا و سایر انسان‌های باوجدان، حرکتی باید! اگر دیر بجنبیم تصویب بی‌عدالتی قانونی می‌شود و به قول مرحوم کاتوزیان «قانون بدون عدالت فاقد شرافت است».

عضو هیئت‌مدیره کانون شوراهای اسلامی کار کشور

روزگار کرونایی

مردم بی‌اعتماد به واکسن

بهرام فارسیجانی

و بر تمایل به واکسن خارجی افزوده شده و افراد با تحصیلات دانشگاهی واکسن خارجی را به واکسن ایرانی ترجیح داده‌اند. این خود گویای تشمت حاکم بر اطلاع‌رسانی درباره واکسن ایرانی است.

هنگامی که پدیده‌ای موفق به جلب نظر طبقه متوسط نشود، باید زنگ‌های خطر برای مسئولان مبنی‌بر مقبولیت عام آن پدیده به صدا درآید. چه اتفاقی افتاده که از بهمن ماه پارسال تا اردیبهشت امسال میزان علاقه به واکسن ایرانی از ۴۳ درصد به ۳۰ درصد و مطلوبیت واکسن خارجی از ۱۷ درصد به ۲۴ درصد رسیده، آن هم درحالی‌که کل ظرفیت

رسانه‌های رسمی کشور در اختیار تبلیغات به نفع واکسن ایرانی بوده است؟ و بالاخره سوم اینکه نوعی بی‌تفاوتی عمومی در بین مردم مشاهده می‌شود. سکوت آماری مسئولان نیز ذیل همین بی‌تفاوتی قابل درک است. واقع امر اینکه برای شهروندان معمولی تفاوت‌های جدی بین واکسن ایرانی و واکسن خارجی وجود دارد. شاید بتوان یک شهروند را با ابزارهای اقتصادی وادار کرد که بین دو برند ایران‌خودرو و سایپا دست به انتخاب بزند؛ اما همین شهروند را نمی‌توان مجبور کرد که واکسن بدون اخذ تأییدیه‌های معتبر جهانی را تزریق کند. اینجا بحث جان مردم است.

وقتی با وجود این همه تبلیغات در مورد واکسن‌های ایرانی، به‌یکباره ردای سیاه کرونا بر کشور سایه می‌اندازد و مردم را از دم تیغ خود می‌گذرانند، آنگاه کدام چشم‌انداز امیدبخش می‌تواند در ذهن مردم عادی به عنوان مفری برای گریز از مصیبت کرونا تلقی شود؟

سال قبل وقتی خبر تولید واکسن کرونا از سوی واکسن‌سازهای معتبر جهانی منتشر شد، خیلی‌ها در شبکه‌های اجتماعی هشتگ «واکسن بخرد» را داغ کردند. اما واکسن به تعداد کافی نخریدند. حالا که قرار است واکسن داخلی تولید شود، معلوم نیست که چرا به تعداد کافی عرضه نمی‌شود و آمار واکسیناسیون همچنان لاک‌پشتی حرکت می‌کند.

برنده آبی

فرزندان آن پدران

گیسو فغفوری

● شکوه حضور عوامل فیلم «قهرمان» آخرین ساخته «اصغر فرهادی» در جشنواره کن، قدم‌زدنش‌ان روی فرش قرمز کن و پخش‌شدن موسیقی «مرغ سحر» محمدرضا شجریان و پس از آن کف‌زدن‌های ممتد تماشاگران فیلم در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای داشت. بسیاری با به‌اشتراک‌گذاشتن کف‌زدن‌ها، لحظاتی از فیلم و ابزار احساسات کارگردان و بازیگران سعی کردند در این شادی شرکت کنند.

هرچند وقتی به مقایسه این حضور و تجربه‌های پیشین یا حتی به مقایسه انتشار این عکس‌ها و فیلم‌ها با مسواری دیگر مانند قه‌م‌کشی دختر نوجوان یا حتی فیلم مأمور انتظامی در مقابله با سگ‌گردانی می‌پردازیم، به نظر می‌رسد غلبه با غم‌ها و نگرانی‌ها است. انکار در شبکه‌های اجتماعی، حتی اینستاگرام، تمایل به انتشار اخبار تلخی است که احاطه‌مان کرده است. هرچند عمر این اخبار و تصاویر کم است و افتخار شرکت و حضور فیلم «اصغر فرهادی» ماندگار است و حتماً تا سال‌های بعد مرور این صحنه‌ها باعث شعف و غرور می‌شود. البته بخشی از داستان فیلم جدید فرهادی بر بازتاب رفتار و انعکاس یک تصمیم در شبکه‌های اجتماعی پیش می‌رود.

همان شبکه‌های اجتماعی‌ای که واقعا می‌توانند یک‌شبه فردی را قهرمان و در دقایقی دیگر او را بر زمین بکوبانند. این توجه به شبکه‌های اجتماعی هرچند به‌صورت ناگزیر ممکن شده است؛ اما نشان از تیزهوشی این کارگردان جهانی می‌دهد که به‌صورت زیرپوستی درصدد تحلیل شخصیت‌ها در مواجهه با این فضا برآمده است. هرچند وقتی قرار به مقایسه با سینما پیش می‌آید، تمام‌قد

پشت «هنر هفتم» می‌ایستد و به وراثتی می‌گوید: «در شبکه‌های اجتماعی زمانی برای تأمل و دیدن جنبه‌ها و ابعاد گوناگون یک پرسش وجود ندارد». اما این حضور از منظر دیگر نیز مورد توجه بود. شاید برای عده‌ای هم چون من، اصغر فرهادی با گوی موفقیت‌های تمام‌نشدنی‌اش، آخرین حلقه ارتباط ایران با جهان در آستانه تغییرات جدید باشد. فرهادی در سال‌های حضور ترامپ و به دلیل قانون تراول‌بن، امکان حضور در مراسم اسکار را پیدا نکرد و هرچند معتقد است رفتن ترامپ جهان را جای بهتری می‌کند اما چندان هم دلخوش به بایدن نیست.

اما حضور فرهادی و استقبال از فیلمش در معتبرترین جشنواره سینمایی جهان، شاید آخرین تیرهای ترکش حضور ایرانی‌های ساکن وطن در جامعه جهانی باشد. حتی برای افرادی که با نگرانی به یکدست‌شدن قدرت در ایران می‌نگرند، این حضورها و این کف‌زدن‌ها، آخرین به‌مانده اعتباری باشد که یک نفر با هویت ایرانی می‌تواند برای کشورش به دست آورد.

ایرانی‌ی‌که زیر فشار تحریم، کرونا و بی‌اعتمادی به مسئولان و نگرانی از هجوم طالبان و هک شدن‌های متعدد در نیروگاه‌های برق، آب و حتی تولید واکسن و انفجارهای ناگهانی روبه‌روست. ایرانی‌که تلخی در آن عیان است و این تلخی انگار چنان گریبان «فرهادی» را گرفته است که می‌گوید: «سال پیش که در حال ساخت فیلم بودم، این سالن و این تشویق را پیش‌بینی نمی‌کردم». او و عوامل فیلم، بدون ماسک در آن سالن و روبه‌روی خیل زیاد تماشاگران، ایستادند و تشویق شدند و این بدون ماسک بودن برخی تماشاگران و عوامل، توجه بسیاری را به خود جلب کرد و افسوس بسیاری را به دنبال داشت. اما شاید نکته‌ای که در این چند روز برگزاری جشنواره فیلم کن نباید از منظر دور داشت، حضور نسل جدید فرزندان کارگردانان است که درعین‌حال می‌خواهند نام مستقلی برای خود داشته باشند. از سمیرا مخملباف، کارگردان موفق ایرانی در جشنواره کن و فرزند محسن مخملباف مدت‌هاست که دیگر خبری نیست، حالا به نظر می‌رسد نسل دیگری از فرزندان پدران درحال ظهور باشند. سارینا فرهادی که به‌عنوان بازیگر در فیلم‌های پدرش از نوجوانی و کودکی بازی می‌کند، حالا با لباسی مشکی و سرپوشی صورتی در رژه عوامل فیلم حضور پررنگی داشت.

دیگر فرزند کارگردانی که در این سال‌ها بارها به دلایل مختلف روی فرش قرمز کن حضور داشته است «سولماز پناهی» است که امسال هم حضور داشت. البته این بار او برخلاف دفعه‌های قبل که نماینده پدر ممنوع‌الخروجش بود، همراه برادر «پناه پناهی» بود. پناه در ۳۳سالگی فیلمی را درباره مهاجرت کارگردانی کرده است که در بخش دو هفته کارگردانان حضور دارد. او دوست دارد

کمتر زیر نام پدرش باشد. باران رسول اف دختر محمد رسول اف نیز در آخرین فیلم پدرش نقش موفقی را ایفا کرد و در جشنواره برلین حضور پررنگی داشت. بی‌تردید نسل جدیدی از سینماگران ایرانی در راه است و شاید بتوان در این زمانه هراس از فراد، به آنان تکیه کرد و امید داشت.